

در میزگرد معلمان دوره آموزش ابتدایی بررسی شد:

نوروز داستانی

شرکت کنندگان در این میزگرد:

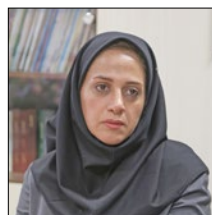
- مژگان الیاس پور، آموزگار پایه اول، مدرسه آیین مهر ۱، منطقه ۱۹، سابقه: ۲۷ سال
- تیما پوراسمعیل، آموزگار پایه چهارم، مدرسه فردوس، منطقه ۴، سابقه: ۲۵ سال
- زهرا رسولی، آموزگار پایه ششم، مدرسه آرمینه مصلی نژاد، منطقه ۶، سابقه: ۲۵ سال
- شهلا رئیسی، آموزگار پایه پنجم، مدرسه شهید محلاتی، منطقه ۱۲، سابقه: ۲۵ سال
- مریم سروش، آموزگار پایه سوم مدرسه شیخ محمدخیابانی، منطقه یک

آشاره

اواخر سال ۹۶ بود که وزارت آموزش و پرورش اعلام کرد ضمن حذف انواع آزمون‌ها از دوره ابتدایی، دانش‌آموزان این دوره در ایام تعطیلات عید، فعالیت تازه‌ای را جایگزین پیک‌های نوروزی خواهند کرد و آن یکی از این سه کار بود: داستان‌نویسی و آفریدن یک نوشته از قلم و ذهن خودشان، داستان‌خوانی یعنی خواندن یک کتاب داستان و نوشتن خلاصه آن، یا شنیدن قصه‌ها و خاطره‌های بزرگ‌ترها و نوشتن آن. در این میزگرد ما اجرای طرح مذکور را با حضور پنج تن از آموزگاران باسابقه دوره ابتدایی به بحث گذاشته‌ایم. پایه‌ای که همکاران در آن مشغول به تدریس‌اند، در موافقت یا مخالفت آن‌ها اثر مهمی دارد و این نکته‌ای است که نباید هنگام خواندن دیدگاه‌ها فراموش شود.

دارند. وقتی تکلیف عید بچه‌ها را می‌گفتیم، پدر و مادرها با تعجب می‌پرسیدند: همین؟! و می‌خواستند چندتا سؤال ریاضی یا علوم را هم اضافه کنیم. ولی به نظر من این فرصت خوبی بود که سبب شد بچه‌ها هم قدری استراحت کردند، هم خوب دیدند و هم خوب شنیدند و هم دقت کردند و هم از فعالیتشان لذت بردند. من، فرصت نشد برای خانواده‌ها جلسه حضوری بگذارم، ولی نکات لازم را نوشتم و در کانال کلاس قرار دادم. بعد از عید که بچه‌ها آمدند از نتیجه کار خیلی راضی بودم. یکی از بچه‌ها درباره قورباغه‌هایی نوشته بود که در سفر دیده بود و حتی تعدادی بچه‌قورباغه برای من آورده بود! یکی دیگر از پرورش ماهی و مراحل رشد آن‌ها در حوضچه‌های پرورش

جوانه: با شنیدن خبر تصمیم تازه آموزش و پرورش برای ایام عید، به عنوان یک معلم، چه حسی در شما شکل گرفت و واکنش شاگردانتان و اولیای آن‌ها نسبت به طرح چگونه بود؟



آن‌ها این بود که بچه‌ها در ایام عید نیاز به تمرین‌های درسی نیز

مریم سروش: به نظر من طرح خوبی بود؛ اما موضوع زمانی به ما گفته شد که فرصت کافی برای گفت‌وگو با خانواده‌ها و توجیه آن‌ها وجود نداشت. برخی معلم‌ها و خانواده‌ها آن را پذیرفتند و برخی مقاومت نشان دادند. تصور

ماهی نوشته بود و یکی دو نفر هم از جاهایی که رفته بودند گزارش و فیلم تهیه کرده و خودشان روی فیلم صحبت کرده بودند.

بچه‌ها آموخته‌هایشان را فراموش می‌کنند



زهرا رسولی: این کار خیلی قشنگ، بدیع و خلاقانه بود. ما همه به پیک‌ها عادت کرده بودیم: هم من معلم، هم دانش‌آموز و هم اولیا. زمانش رسیده بود که پیک‌ها - که اغلب کلیشه‌ای و حتی عذاب‌آور شده بودند و بار علمی لازم را نداشتند - کنار گذاشته شوند. امسال با

این طرح جدید به نوعی خلاقیت بچه‌ها تحریک شد؛ گرچه به همه جوانب کار توجه نشده بود. ما باید اولیا را قبلاً توجیه می‌کردیم و این کار نیاز به زمان داشت و احتمالاً در سال‌های بعد بهتر جا می‌افتد. طرح خیلی دیر اعلام شد و شاید خیلی از معلم‌ها حتی پیک‌ها را تدوین کرده و در اختیار مدرسه‌ها قرار داده بودند که منتشر کنند؛ ولی کار آن قدر جذاب بود که این اشکال را پوشاند. این کار در عین حال که یک نوع مهارت است، موجب افزایش اعتماد به نفس بچه‌ها می‌شود و به ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی کمک می‌کند. البته ناگفته نماند که ما یک کتابخانه غنی در مدرسه داریم که با استفاده از آن، کتاب‌های مورد علاقه بچه‌ها را برای خلاصه‌نویسی در اختیارشان قرار دادیم. برخی هم از خودشان قصه نوشته و حتی آن‌ها را به صورت کتاب درآورده بودند. به هر حال، این کار، مانند هر کار جدیدی، خالی از اشکال نبود. برخی از خانواده‌ها و همکاران مخالف طرح بودند. خصوصاً معلم‌ان پایه اول که گفتند: وقتی بچه‌ها بعد از عید به مدرسه آمدند شبیه دانش‌آموزان تازه‌وارد بودند و ما باید از صفر شروع می‌کردیم. نظرشان این بود که دانش‌آموز کلاس اول و دوم در این ایام، حتماً نیاز به تمرین و تکرار دارد.

منابع مناسب را به بچه‌ها معرفی کنیم



تیما پوراسمعیل: اغلب معلم‌ان خصوصاً آن‌ها که دانش‌آموزی در خانه داشتند، از این کار خوشحال شدند. گروهی از اولیا ابتدا می‌گفتند این فعالیت برای بیست روز تعطیلات عید کم است؛ اما پس از اجرای طرح، بیشتر آن‌ها هم به صف موافقان پیوستند و گفتند این طرح باعث شد بچه‌ها مطالعه کنند. گرچه ایرادهایی هم می‌گرفتند، اما در کل راضی بودند. در مجموع با توجه به نظرات، شاید اجرای طرح برای پایه‌های سوم به بعد خیلی مناسب‌تر باشد.

برخی دانش‌آموزان که به کتاب‌خوانی علاقه ندارند، ممکن است تکلیف کتاب‌خوانی را هم بیندازند گردن پدر و مادرهایشان و یا بیش‌تر به سمت قصه‌گویی و خاطره‌نویسی بروند؛ اما علاقه‌مندان به کتاب، از خواندن کتاب، خیلی راضی‌اند.

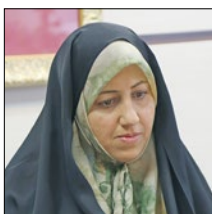
تعداد قابل توجهی از معلم‌ان و اولیا هم نظرشان این بود که اگر منابع مناسب بچه‌ها در اختیارشان گذاشته شود، بهتر است. یعنی می‌خواستند مجموعه‌ای کتاب به بچه‌ها معرفی شود که کتاب مورد

علاقه خودشان را از بین آن‌ها انتخاب کنند. وقتی به بچه‌ها منبع نمی‌دهید، می‌روند سراغ قصه «کدو قلقله‌زن» که شاید نیمی از بچه‌ها این کار را کرده بودند.

تشویق به قصه‌گویی و پای قصه‌های بزرگ‌ترها نشستن خیلی می‌تواند مفید باشد. چون خیلی از قصه‌های قدیمی ما فراموش شده‌اند. بعد از عید وقتی بچه‌ها داستان‌هایشان را آوردند، ما تمام آن‌ها را سر کلاس خواندیم. خود بچه‌ها هم نسبت به این کار علاقه نشان دادند و از آن استقبال کردند.

من خودم با اجرای این طرح خیلی موافقم؛ ما خودمان هم در سال‌های اخیر در پیک‌های نوروزی به این سمت حرکت کرده بودیم. به جای طرح سؤال، فعالیت‌هایی را برای هر درس به بچه‌ها پیشنهاد می‌دادیم و آن‌ها می‌توانستند از بین آن‌ها یکی را به دلخواه انتخاب کنند

طرح، طرح تازه‌ای نیست



شهلا رئیسی: دانش‌آموزان و حدود ۷۰-۸۰ درصد اولیا اصولاً با طرح موافق بودند. کار و فعالیت بچه‌ها کم و اولیا راحت شده بودند. فرزند خود من یک دانش‌آموز است و چون شخصاً به کتاب‌خوانی علاقه زیادی دارد اصلاً مشکلی نداشتیم. او در همین ایام عید،

بدون کوچک‌ترین یادآوری از طرف من، ۱۸ تا کتاب خواند. خودش خلاصه قصه‌ها را نوشت و خودش قصه گفت و روی سی دی ضبط کرد و تمام کارها را انجام داد. منظورم این است که خیلی راحت بودیم و تعطیلات هم بدون دردسر بود و خیلی به ما خوش گذشت.

اما معلم‌ها دو دسته بودند. طبق پرس‌وجویی که من از حدود پنجاه معلم و مدیر منطقه کردم، از هر پنج نفر، چهار نفرشان مخالف بودند. بیشتر معلم‌هایی که سابقه تدریس در دوره ابتدایی داشتند مخالف بودند. آن‌ها معتقد بودند که این طرح، طرح تازه‌ای نیست و ما هر سال آن را در قالب «نویسنده کوچک» انجام می‌دهیم. می‌گفتند ما در فعالیت‌هایی هم که هر سال در ایام عید به بچه‌ها می‌دادیم، غالباً خاطره‌نویسی

یا داستان‌نویسی و مانند این هم وجود داشت؛ با این تفاوت که در فعالیت‌های قبلی به علائق متفاوت بچه‌های مختلف نیز توجه می‌کردیم و اگر کسی مثلاً به داستان علاقه نداشت می‌توانست سراغ کتاب‌های علمی، فعالیت‌های پژوهشی یا مسائل ریاضی برود. اما در فعالیت جدید، فقط به یک جنبه از علائق بچه‌ها توجه شده بود؛ در حالی که می‌شد از آن استفاده‌های بهتری کرد. تصور اکثر ما معلم‌ها، این است که تعطیلات ایام نوروز، ایام طلایی برای جبران ضعف‌های دانش‌آموز و عقب‌ماندگی‌هایی است که در طول سال تحصیلی به هر دلیلی برای او پیش آمده است.

رئیس‌ی: در فعالیت‌های نوروزی به علائق متفاوت بچه‌ها توجه می‌شد و اگر دانش‌آموزی به داستان علاقه نداشت می‌توانست سراغ کتاب‌های علمی، فعالیت‌های پژوهشی یا مسائل ریاضی برود



تغییر همیشه دشوار است

تیما پور اسمعیل: نباید از یاد ببریم که تغییر کردن همیشه دشوار است. معلمی که بیست سال به یک شیوه تدریس عادت کرده است، دوست دارد به همان شیوه قدیم کارش را ادامه بدهد و معمولاً نمی‌خواهد تغییر کند. به عکس بچه‌ها از کار تازه استقبال می‌کنند. در سال‌های گذشته، شاید از هر کلاس، پنج نفر پیکشان را نمی‌آوردند؛ اما امسال در کلاس من، تنها سالی بود که همه تکالیفشان را انجام دادند و همه سر کلاس قصه‌هایشان را خواندند.

مریم سروش: شاید همان‌طور که همکارم گفتند، نگرانی معلمان از اینکه بچه‌ها درس‌ها و خوانده‌هایشان را فراموش کنند، مهم‌ترین علت مخالفت آنان با طرح بوده باشد. اما به نظر این‌طور نیست. تجربه امسال من نشان داد که این طرح، ضمن اینکه موجب تحریک خلاقیت بچه‌ها شد، وقتی بعد از عید شاگردانم به کلاس برگشتند، احساس کردم ریاضی‌شان

هم بهتر شده است. من امسال از سال گذشته، که خودم سؤال ریاضی هم به بچه‌ها داده بودم، راضی‌تر بودم.

شهلا رئیس: طرح نکات مثبت هم داشت. همین که بچه‌ها کار تازه و غیر تکراری انجام می‌دادند، و تعطیلات را با آسودگی خاطر گذراندند، خودش خوب بود. معلم‌ها هم از کار طراحی سؤال و تدوین پیک‌ها آسوده بودند؛ گرچه بعد از عید، وقت زیادی را برای خواندن قصه‌ها و ثبت آثار بچه‌ها در سامانه سپری کردند.

لزوم توجه به تفاوت پایه‌ها

مژگان الیاس پور: از نظر من مهم‌ترین اشکال کار، اعلام دیرنگام طرح بود. وقتی طرح را به ما اعلام کردند، ما سردرگم بودیم و خودمان نسبت به آن توجیه نشده بودیم. مثلاً بسیاری از همکاران نمی‌دانستند که هر دانش‌آموز یکی از فعالیت‌ها را باید انجام بدهد یا



هر سه فعالیت را (و در نهایت در مدرسه، هر سه فعالیت را، برای همه پایه‌ها اجرا کردیم). یا مثلاً تفاوت داستان‌نویسی و داستان‌گویی دقیقاً در چیست؟ مثلاً وقتی قصه‌ای را خودش می‌نویسد (که از قبل

شنیده و در حافظه داشته) با قصه‌ای که از یک بزرگ‌تر می‌شنود و آن را می‌نویسد چه فرقی با هم دارند؟ خلاصه ابهام زیاد بود و منطقه هم نمی‌توانست به پرسش‌ها و خواسته‌های ما جواب بدهد؛ خصوصاً درباره دانش‌آموزان پایه اول که نمی‌توانستند کتاب بخوانند یا آن چنان قادر به نوشتن نیستند، ابهام خیلی زیادی وجود داشت.

ما علاوه بر دانش‌آموزان، فرصت کردیم خانواده‌ها را هم جمع و با آن‌ها صحبت کنیم. در آنجا، تقریباً همه خانواده‌ها با طرح مخالفت کردند؛ چون اکثر دانش‌آموزان پایه اول قادر به نوشتن داستان، خواندن یک کتاب یا حتی خلاصه کردن آن نیستند. اگر هم قادر به این کار باشند یک کتاب را حداکثر در سه سطر خلاصه می‌کنند. بنابراین اغلب کارهایی که به دست ما رسید، کار خود بچه‌ها و حتی به خط خود بچه‌ها نبود. بیشتر، مادرها درگیر کار شده بودند که البته طبیعی بود و از ابتدا هم گفته بودند که بچه‌هایشان قادر به این کار نیستند.

چیزی ممکن است برای دانش‌آموز پایه ششم خوب و مفید باشد، اما برای پایه اول نامناسب و غیر جذاب باشد و بالعکس. بنابراین در این طرح و حتی طرح «نویسنده کوچک»، دانش‌آموزان دو دوره اول و دوم باید از هم جدا شوند. بچه‌های پنجم و ششم خیلی دوست دارند بنویسند؛ اما دانش‌آموزان پایه اول، اگر علاقه هم داشته باشند، توانایی‌اش را ندارند.

جوانه: بچه‌های ششم شاید بتوانند هر سه کار را انجام دهند، اما بچه‌های پایه اول طبعاً انتخاب‌های محدودتری دارند و اگر بخواهند قصه بنویسند به احتمال فراوان باید از بزرگ‌ترها هم کمک بگیرند.

الیاس پور: یکی دیگر از اشکالات مهم، منابع مورد استفاده بود. اغلب از منابعی استفاده کرده بودند که از نظر ما استاندارد و مناسب بچه‌ها نیست. کتاب‌هایی مانند آنا-السا، سفیدبرفی، سیندرلا و مانند این‌ها را خلاصه‌نویسی کرده بودند که معلوم بود خلاصه‌ها هم کار بچه‌ها نیست. این قصه‌ها - خصوصاً وقتی به شکل کتاب منتشر می‌شوند - معمولاً به خاطر حذفیاتی که در آن‌ها صورت می‌گیرد، سر و ته هم ندارند و در خلاصه‌نویسی به یک چیزهای عجیب و غریبی تبدیل می‌شوند.

تهیه سی‌دی برای قصه‌گویی هم جزء اعتراضات اولیا بود. می‌گفتند ما در مسافر‌خانه‌ها یا هتل‌ها یا در چادرها، در ایام سفرهای نوروزی، به کامپیوتر دسترسی نداریم و خیلی کار برابمان سخت می‌شود.

پور اسمعیل: تغییر همیشه دشوار است. معلمی که بیست سال به یک شیوه تدریس عادت کرده است، دوست دارد به همان شیوه قدیم کارش را ادامه بدهد

قسمت بد ماجرا این بود که معلم می‌بایست همهٔ سی‌دی‌هایی را که بچه‌ها در آن قصه تعریف کرده بودند می‌دید و چند تا را از بین آن‌ها انتخاب می‌کرد. خود من که پنجاه تا شاگرد (در دو تا کلاس) داشتم، مجبور شدم ۵۰ تا سی‌دی ببینم و واقعا زمان بسیار زیادی از من گرفت.

اتفاق بدتری که افتاده بود، این بود که اغلب بچه‌ها در آن سی‌دی‌های تصویری، بهترین لباس خودشان را پوشیده بودند، اتاقشان را خیلی زیبا تزیین کرده بودند و بهترین عروسک‌هایشان را دورشان چیده بودند. من ابتدا می‌خواستم این سی‌دی‌ها را در کلاس برای بچه‌های دیگر هم پخش کنم. اما با پخش چند تا متوجه شدم که کار خوبی نیست و ممکن است زرق و برق‌های زندگی برخی از بچه‌ها، روی بقیه اثر خوبی نداشته باشد.

با هم فکری به پیشنهادهای بهتر می‌رسیدیم

جوانه: اینکه بچه‌ها قصه‌های منتخب دوستانشان را بشنوند فکر خوبی است، اما برای جلوگیری از آسیب‌های احتمالی که گفتید، شاید بتوان از بچه‌ها خواست در داخل کلاس قصه‌هایشان را تعریف کنند. حتی می‌توان همان‌ها را ضبط کرد و به منطقه فرستاد.

الیاس پور: البته چیزهای جالب و خوبی هم بینشان بود. مثلاً در یکی، دانش‌آموزی نشسته بود و قصه‌ای را برای خواهر کوچک‌ترش تعریف می‌کرد و مادر در گوشه‌ای از خانه، در حالتی کاملاً طبیعی و عادی آن را ضبط کرده بود.

اما مهم‌ترین نکته‌ای که اغلب همکاران را آزرده بود این بود که این کار بدون نظر خواهی از آن‌ها انجام شد. شاید اگر در دی‌ماه مثلاً از همکاران می‌پرسیدند که چه چیزی را جایگزین پیک‌ها کنیم، پیشنهادهای بهتری می‌دادند. شاید می‌توانستند پیشنهادهایی بدهند که لازم نشود اولیا درگیر آن شوند و مجبور شوند کارهای بچه‌هایشان را انجام دهند. مثلاً من چندتا بازی به بچه‌ها گفتم که آن‌ها را انجام بدهند. یکی گفتن کلمه‌هایی است که حرف اولش، حرف آخر کلمهٔ قبلی است. یکی اسم - فامیل بازی است که این بازی‌ها برای بچه‌های پایهٔ اول خیلی مناسب است. یا بازی جادهٔ اعداد که بچه‌ها خیلی دوست دارند و وقتی این بازی‌ها را انجام می‌دهند، ضمن آن که لذت می‌برند، می‌توانند تأثیر مثبت بازی را در یادگیری بچه‌ها ببینند. اگر بخواهم خلاصه کنم، هدف طرح خوب بود، اما اجرای آن اشکالات زیادی داشت.

سروش: به نظر من هم می‌شود جذابیت‌هایی را به این طرح اضافه کرد. مثلاً بچه‌ها می‌توانند دربارهٔ ضرب‌المثل‌ها پژوهش کنند؛ چون در پایهٔ سوم ضرب‌المثل‌ها را می‌خوانند. یا دربارهٔ پیام‌های قرآنی کتابشان تصویر تهیه کنند و توضیحاتی بدهند. یا بازی‌های اسم - فامیل که گفتند. ضمناً همکاران می‌توانند به خاطر نویسی، سفرنامه‌نویسی، مصاحبه و گزارش و مانند این‌ها، که در طرح هم آمده بود، توجه بیشتری نشان دهند. اما نکته‌ای که همکاران دربارهٔ جدا کردن پایه‌ها گفتند خیلی لازم است. حتی بچه‌های یک پایه ممکن است با پایهٔ بالاترشان خیلی فرق داشته باشند. من یک بار رفتم کلاس چهارم درس دادم؛ احساس کردم که خیلی با بچه‌های سوم فرق دارند. انگار خیلی بزرگ‌ترند.

جوانه: خب این فعالیت‌هایی را که می‌فرمایید در طول سال هم می‌شود انجام داد.

رسولی: شرایط عید نوروز و تعطیلات آن خیلی خاص است. بعد از عید بچه‌ها وقتی به مدرسه برمی‌گردند، خیلی متفاوت شده‌اند. چون از فضای درس فاصله می‌گیرند. خود من برخی فعالیت‌ها را در برنامهٔ بچه‌ها قرار می‌دادم که قالب درسی هم نداشت؛ مانند گزارش تصویری از سفرهٔ هفت‌سین یا گزارش تصویری از سفر.

همهٔ این فعالیت‌هایی که در طرح دنبال می‌شود فقط در حوزهٔ ادبیات فارسی است، اما می‌شود سؤال‌های علوم و ریاضی را هم به شکل سبک‌تر و جذاب‌تری به این مجموعه افزود. به طور خلاصه اگر بخواهم عرض کنم، طرح از نظر فرهنگ‌سازی خیلی خوب است؛ اما بار علمی و پژوهشی را به صفر رسانده بود.

نقش مهم و کلیدی ادبیات

جوانه: به نظر طراحان این طرح، ادبیات نسبت به بقیه پایه‌ای‌تر و مهم‌تر است.

رسولی: من خودم هم این اعتقاد را دارم. اتفاقاً موضوع پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد خود من رابطهٔ خواندن و پیشرفت تحصیلی است.

منظور من این است که به‌طور متوازن به همهٔ بپردازیم و حتی فارسی قدری هم پررنگ‌تر باشد؛ اما نه به این قیمت که با بقیهٔ دروس خداحافظی کنیم.

الیاس پور: توجه به آزمون‌های تحصیلی مختلف، باعث شده در این سال‌ها توجه به ادبیات فارسی به‌کل کنار گذاشته شود. دانش‌آموزهای ما نمی‌توانند یک نامه بنویسند. آن‌ها ۱۲ سال ادبیات فارسی می‌خوانند اما نمی‌دانند مقدمه و نتیجه‌گیری چیست. ما از کتاب و کتاب‌خوانی خیلی

فاصله گرفته‌ایم. شاید این طرح انگیزه‌ای به بچه‌ها بدهد که دو تا کتاب بخوانند. من گفتم بچه‌های پایهٔ اول با بقیه فرق دارند؛ با این حال حتی در این پایه هم فراموشی کامل درس‌ها اتفاق نمی‌افتد. گویا بچه‌ها چند روزی به خواب می‌روند که با قدری یادآوری و مرور، دوباره به کلاس برمی‌گردند. شاید این حرکت بهانه‌ای باشد که ما از این به بعد کتاب بدهیم به بچه‌ها بخوانند و بیایند سر کلاس خلاصهٔ آن را بگویند. در واقع یک جور آشتی با کتاب که البته می‌تواند با اشکالات کمتری انجام شود.

جوانه: برخی بر این باورند که کتاب‌خوانی نه تنها بر روی سواد خواندن بچه‌ها اثر مستقیم دارد، که در یادگیری درس‌هایی مانند ریاضی و علوم هم مؤثر است. یعنی خواندن کتاب‌های داستانی با تأثیر مثبتی که در گسترش ظرفیت ذهن و دایرهٔ واژگان به‌جا می‌گذارد، موجب بهتر شدن وضعیت تحصیلی دانش‌آموز می‌شود. شما این‌طور تصور نمی‌کنید؟

رسولی: این یک امر بدیهی است. من خودم سال‌ها ریاضی درس می‌دادم و می‌دیدم که بچه‌ها بلد نیستند صورت مسئله را درست بخوانند و طبعاً نمی‌توانستند مسئله را هم حل کنند. من ایمان دارم

سروش: به نظر من فرصت خوبی بود که بچه‌ها هم قدری استراحت کردند، هم خوب دیدند و خوب شنیدند و دقت کردند و هم از فعالیتشان لذت بردند

را هم داریم!

جوانه: شاید با توجه به حجم بالای کار، بد نباشد در سال‌های آینده، والدین خودشان وارد سامانه شوند و آثار بچه‌ها را ثبت کنند و معلم فقط یک گزارش کوتاه بدهد.

پوراسمعیل: بله خوب است، مانند ثبت‌نام برای خرید کتاب درسی.

الیاس پور: با توجه به برداشته‌های متفاوت همکاران از طرح، ضرورت دارد قبل از اجرای هر طرحی، چند نفر از معلمان هر منطقه را خوب توجیه کنیم تا اگر برای همکاران سؤالی پیش آمد، جواب بدهند.

مجلات رشد منبع مناسب برای مطالعه

علاقه‌مند کردن بچه‌ها به کتاب و مطالعه، نیازمند تشویق از همان پایه‌های اول و دوم ابتدایی است. باید به شکل‌های مختلف آن‌ها را تشویق کرد. در برخی از مدارس که کتاب‌خانه مناسبی ندارند، می‌شود از مجلات رشد کمک گرفت. به نظر من مجلات رشد، یک مجموعه بسیار پر و پیمان است که مشخص است انرژی زیادی برای تهیه آن صرف می‌شود و می‌توان از آن برای تشویق بچه‌ها به مطالعه کمک گرفت. خود من از آن خیلی استفاده می‌کنم. اولین استفاده ما از مجله رشد کودک این است که بچه‌ها حرف‌ها و کلمه‌های تازه‌ای را که می‌خوانند در آن پیدا می‌کنند. ما قصه‌ها و شعرها را می‌خوانیم؛ بازی‌ها را انجام می‌دهیم؛ تصاویر قصه‌ها را می‌بریم و آن‌ها را به شکل تازه‌ای ترکیب می‌کنیم و قصه جدیدی می‌سازیم. خلاصه انواع استفاده‌ها را از آن در مدرسه می‌کنیم و شاید از اینکه ببرند خانه، بهتر باشد. (حالا اگر جایی باشد که تجربه‌هایمان را هم منتقل کنیم خیلی خوب می‌شود). در هر حال این مجلات، زمینه خوبی را برای مطالعه فراهم می‌آورند.

رئیس‌سی: پیشنهاد خوبی است. پسر من به خواندن مجلات رشد خیلی علاقه داشت. متأسفانه الان مدرسه پسر من مجله رشد نمی‌آورد. اما او آن قدر این مجله‌ها را دوست داشت که هنوز هم آن‌ها را در کتابخانه‌اش نگه داشته و هر از گاهی آن‌ها را ورق می‌زند و می‌خواند. او هر از گاهی کتاب‌های خوانده‌شده‌اش را با کتاب‌های جدید جایگزین می‌کند، اما این مجله‌ها را هنوز از کتابخانه برنداشته است.

سروش: شاگردان من هم خیلی مجله را دوست دارند. همین چند روز پیش که مجله آمده بود آن را با اشتیاق می‌خواندند و درباره محتوایش با هم حرف می‌زدند. مثلاً من می‌شنیدم که داشتند درباره تفاوت پلنگ‌ها و یوز پلنگ‌ها صحبت می‌کردند که آن‌ها را در مجله خوانده بودند. گاهی خلاصه داستان‌هایش را تعریف می‌کنند و گاهی می‌گویم جملات خاصی را از آن پیدا کنند.

رئیس‌سی: من به‌عنوان سخن آخر می‌خواهم خواهش کنم به معلم‌ها اعتماد کنند و اجازه بدهند معلم‌ها براساس تشخیص خودشان، تغییراتی در این طرح یا طرح‌های دیگر بدهند. ما الان در مدرسه باید ۱۶ طرح را اجرا کنیم. یعنی من معلم که ۳۸ تا شاگرد دارم، هم باید به آموزش آن‌ها برسیم، هم برای هر کدام از این ۱۶ طرح گزارش بدهم و مستندسازی کنم.

که اصل خواندن است؛ حرف من این است که صفر و یک نباشد. حالا که می‌خواهیم به ادبیات توجه ویژه نشان بدهیم، این‌طور نباشد که بقیه را فراموش کنیم. بچه‌ها نباید حس کنند یک درس مهم است و بقیه مهم نیستند. می‌شود به بقیه درس‌ها هم پرداخت؛ اما با رویکرد ادبی‌تر و کاربردی‌تر؛ در یک قالب فعالیتی و مهارتی. مخصوصاً این ۱۵ روز خیلی مهم است.

سروش: به نظر من هم اگر یادگیری به معنای واقعی محقق شده باشد، نباید این ۱۵ روز تعطیلات تأثیر زیادی در کار بگذارد. شاید با چهار پنج روز دوره کردن، به آنجایی که بودیم، برسیم.

نبود منابع مناسب برای اجرای طرح

پوراسمعیل: من اشاره کردم که یکی از اصلی‌ترین مشکلات این طرح، منابع نامناسب بود. با توجه به دیر اعلام شدن طرح، معلمان وقت کافی برای معرفی کتاب‌های خوب نداشتند. کتاب‌هایی که بچه‌ها برای خلاصه کردن انتخاب کرده بودند، مناسب سن بچه‌ها یا فرهنگ خودمان نبود یا به لحاظ ادبی ارزش زیادی نداشت. اگر ما منابع را معرفی کنیم بهتر است. منابع را معرفی کنیم و اگر نخواستند، بیرون از این دایره انتخاب کنند. کتاب‌هایی مثل باب اسفنجی یا حتی آثاری ضعیف‌تر از آن که هیچ چیزی به بچه‌ها یاد نمی‌دهند خیلی مناسب نیستند. می‌شود به بچه‌ها بگوییم از کتاب‌هایی که در انتهای کتاب‌های درسی معرفی شده است انتخاب کنند.

همین فهرستگان که شما منتشر کردید و به مدرسه ما نیامده خودش منابع خوبی معرفی کرده است.

رئیس‌سی: همکاران به نکات خوب و درستی اشاره کردند. از نظر من مهم‌ترین مشکل این بود که همکاران را نسبت به هدف طرح خوب توجیه نکرده بودند. اگر معلم و مدیر ما از هدف طرح آگاه نباشد، ممکن است آن را صحیح انجام ندهد. من چون نسبت به اثر و نقش کتاب و مطالعه توجه دارم، با بچه‌ها و پدر و مادرها صحبت کردم و گفتم که هدف این برنامه افزایش سطح سواد خواندن بچه‌هاست و هر روز، حتی شده یک ربع، برای مطالعه بچه‌هایتان وقت بگذارید که با صدای بلند کتاب بخوانند و شما گوش دهید و اگر اشکالی داشتند برطرف کنید. خلاصه، کاری کنید که بچه‌ها به مطالعه علاقه‌مند شوند. با آنکه زمان کمی در اختیار داشتیم. الحمدلله کار به خوبی انجام شد. البته چند تا بازی هم به خانواده‌ها پیشنهاد دادم که در سفر، مهمانی و دید و بازدیدها انجام بدهند تا تمرکز دیداری و شنیداری بچه‌ها قدری تقویت شود.

مشکلات اجرایی آزاردهنده‌اند

رسولی: یکی دیگر از مشکلات، کار با سامانه، ورود به آن با توجه به ترافیک خیلی بالا، و وارد کردن اطلاعات ریز بود که خودش زمان بسیار زیادی لازم داشت.

پوراسمعیل: و البته توجه داشته باشید که این تنها کار ما نبود. ما طرح‌های متعدد دیگری مانند نویسنده کوچک یا شهاب

الیاس پور: ما خیلی از کتاب و کتاب‌خوانی فاصله گرفته‌ایم. شاید این طرح انگیزه‌ای به بچه‌ها بدهد که دو تا کتاب بخوانند و بیایند سر کلاس خلاصه آن را بگویند